

رَدِّیه‌نویسی مسیحیان اندلس بر اسلام و تأثیر آن بر این سنت در اروپای غربی^۱

محمد کاظم رحمتی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس

Kazemr112@yahoo.com

چکیده

در دوران حضور مسلمانان در اندلس، مستعربان یا مسیحیان عرب زبان با هجمه به اصول اعتقادی اسلام، دست به ردیه‌نویسی و تألیف رسائلی جدلی بر ضد اسلام به زبان عربی زدند. ادبیات جدلی پدید آمده به دست ایشان، بر روند ترجمه آثار اعتقادی مسلمانان، خاصه قرآن به زبان لاتینی، و نیز سنت ردیه‌نویسی در غرب اروپا تأثیری بسزا نهاد. نوشتار حاضر به تکوین ادبیات جدلی در اندلس و آثار مختلف آن می‌پردازد.
کلید واژه‌ها: اسلام، مسیحیت، ردیه‌نویسی، ترجمه لاتینی قرآن، مستعربان، اندلس، طلیطله.

شکل‌گیری ادبیات جدلی در اندلس

از اواخر قرن پنجم هجری و با سقوط شهرهای مهم مسیحی‌نشین اندلس چون طلیطله، عالمان مسیحی در کنار استفاده از ابزارهای نظامی، سعی در بهره‌گیری از حرکت تبشیر در میان مسلمانان برای مسیحی کردن آنها نمودند و در نخستین گام‌ها، نگارش آثار مکتوبی به صورت نامه یا رساله و کتاب را آغاز کردند. اطلاعات ما از وجود چنین روندی عموماً بر اساس منابع اسلامی و ردیه‌هایی است که در پاسخ به این حرکت، توسط عالمان مسلمان به رشته تحریر در آمده است و از جمله آنها می‌توان به کتاب *الاعلام بما فی دین النصران من الفساد و الاوهام و اظهار محاسن دین الاسلام و اثبات نبوة نبینا محمد علیه السلام* از عالمی قرطبی - که مطلب چندانی درباره او دانسته نیست - نامه‌ای از راهبی فرانسوی به دربار مقتدر بالله بن

^۱ به آن و کتاب *مقامع الصلبان* از احمد بن عبدالصمد خزرچی (متوفی ۵۸۲ ق) اشاره کرد.^۲

برخلاف انتظار، با وجود رواج زبان عربی در آن ایام در اندلس و آشنایی مسیحیان اندلس با آن، به نظر نمی‌رسد که نویسندگان مسیحی این آثار تبشیری اطلاعات خود را از قرآن اخذ کرده باشند، بلکه ظاهراً این اطلاعات را از آثار متکلمان بیزانسی یا مسیحیان شرقی گرفته‌اند، چرا که همان مطالب مطرح شده در ادبیات جدلی شرقی در آثار این متکلمان نیز به چشم می‌خورد. در کنار نگارش آثار متکلمان مسیحی اندلسی در دفاع از حقانیت مسیحیت و پاسخ به انتقادهای متکلمان مسلمان، جریانی به تحریک برخی کشیشان مسیحی در اندلس رخ داد که در سنت مسیحیت به حرکت شهادت‌طلبی قرطبه مشهور است؛ بدین قرار که چند فرد مسیحی به تحریک کشیشان در ملأ عام به پیامبر اسلام (ص) اهانت کردند و در پی اصرار بر این کار خود، به دست مقامات مسلمان اعدام شدند. این حرکت نیز به توجه بیشتر مسیحیان اندلسی به اسلام منتهی شد^۳ و در نهایت بر جریان شکل‌گیری حرکت تبشیری در اندلس و جدی‌تر شدن آن، تأثیر گذاشت.

1. Dunlop, 259.370.

۲. خزرچی، ۳۰-۳۹. قرطبی در کتاب خود از میان این آثار، سه اثر را نام برده است: *تالیث الوحدانیه* که نویسنده‌ای مسیحی از طلیطله آن را به مسلمانان قرطبه فرستاده (قرطبی، ۴۷، ۵۷، ۷۱، ۷۷، ۹۱، ۹۷، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۱۵-۱۱۷، ۱۶۳-۱۶۵، ۱۷۷، ۱۸۱-۱۸۵، ۲۱۵-۲۱۷)، کتاب *مصحف العالم الکائن* از کشیشی مسیحی به نام آگوستین (قرطبی، ۶۹) که بخش‌هایی از آن را نقل کرده (همان، ۵۷-۵۸، ۶۹، ۷۲، ۸۱-۸۳، ۸۶، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۳-۱۴۸) و کتابی از راهبی مسیحی به نام حفص بن البر قوطی (قرطبی، ۴۲۲، ۴۲۴-۴۲۵، ۴۲۷، ۴۳۰-۴۳۱). قرطبی به آثار دیگری نیز اشاره کرده و گاه نقلی از آنها نیز آورده است. نگاشته‌های مهم مسلمانان چون ابن حزم در *الفصل* و برخی از آثار دیگرش در نقد مسیحیت، موضوعی است که از دامنه بحث نوشتار حاضر بیرون است. تنها اشاره‌وار باید گفته شود که عالمان اندلسی نقش مهمی در تدوین متون جدلی در نقد مسیحیت داشته‌اند. بعدها با اخراج مسلمانان از اندلس و اقامت آنها در شمال آفریقا، شاهد تداول سنت نگارش ردیه‌ها در نقد مسیحیت توسط مسلمانان اخراج شده از اندلس هستیم. از نمونه‌های مهم این آثار کتاب *ناصر الدین علی القوم الکافرین* نوشته احمد بن قاسم الحجری است که متن آن را قاسم سامرائی، ویگرز و کونینگ سولد با این مشخصات منتشر کرده‌اند:

Ahmad b. Qâsim al.Hajari, *Kitâb nâsir al.dîn 'alâ l.qawm al.kâfirîn (The Supporter of Religion against the Infidels). Historical study, critical edition and annotated translation*, eds., G. A.Wiegers, P.S. Van Koningsveld and Q. al.Samarrai, Madrid: Consejo Superior de Investigaciones Científicas 1997 [Fuentes Árábico.Hispanas, 21]

3.Cutler, 321-339.

اولیخو قرطبی^۱ (متوفی ۸۵۹م)، متکلم مشهور مسیحی اندلسی، در اثر خود دربارهٔ حرکت شهادت‌طلبی برخی از مسیحیان قرطبه به نام «در باب شهادی قرطبه»، از جنبه کلامی، مدافعاتی از این حرکت بیان کرده و سعی نموده تا با بهره‌گیری از قرآن به انتقاد از مسلمانان بپردازد.^۲ با این حال، به نظر می‌رسد که اولیخو به متن قرآن دسترسی نداشته و اطلاعات خود را از متنی کهن و تالیف شده از مسیحیان شرقی و احتمالاً آثار منسوب به یوحنا دمشقی^۳ اخذ کرده باشد.^۴ ظاهراً اولیخو درباره قرآن و پیامبر(ص) بیشتر از آنچه در متن لاتینی کوتاهی در شرح حال پیامبر(ص) که در اندلس نگاشته شده و او در سفر خود برای دست‌یابی به متون مسیحی، نسخه‌ای از آن را برای خود استنساخ کرده، نمی‌دانسته است. آنچه این گمان را تقویت می‌کند، اشاره اولیخو به مطالبی است که در عموم نگاشته‌های جدلی مسیحیان در قرون وسطی به نحو سنتی تکرار شده است، از جمله اشاره به ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با همسر پسر خوانده‌اش، زید بن حارثه، که در آیه ۳۷ سوره احزاب به آن اشاره شده و در سنت جدلی نویسان مسیحی به نحو تحریف شده‌ای انعکاس یافته است.

1. Euloius of Cordoba.

2. Kerr, 202-203.

3. John of Damascus.

۴. یوحنا دمشقی نزد یکی از اسیران کرتی به فراگیری متون دینی پرداخت و همانند پدر خود مدتی اداره امور مالی دولت امویان را برعهده داشته است. دمشقی پس از تغییرات در نظام اداری امویان و تغییر زبان اداری دولت امویان، از کار کناره گرفت و باقی عمر خود را در دیر مشهور قدیس مار سابا گذراند و در همانجا درگذشت. امروز قبر وی در همین کلیسا موجود است. یوحنا دمشقی در ایام اقامت خود در دیر مار سابا، کتاب مشهور خود یعنی "سرچشمه معرفت" در صد باب یا یکصد و یک باب (Sahas, 57) را در سه بخش و به زبان یونانی تالیف کرد. فصل صد یا صد و یکم کتاب دمشقی، بحثی از اسلام به عنوان بدعتی نوظهور و با عنوان بدعت‌های فرزندان اسماعیل است. یوحنا دمشقی در این بخش از کتاب خود، اشاراتی به قرآن آورده و از اسامی سوره‌های مختلف قرآن چون سوره‌های بقره، نساء و مانده نام برده است. گاهی نیز از یک سوره به نام آیه مشهور آن یاد کرده است، چون سوره ناقة. یوحنا دمشقی به برخی دستورات قرآن چون جواز چند همسری و طلاق (بقره، آیه ۲۲۹) اشاره کرده و بر آنها خرده گرفته است. همچنین یوحنا دمشقی از ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با زینب دختر جحش که پیش از آن مدتی در عقد و نکاح زید بن حارثه پسرخوانده پیامبر(ص) بوده، یاد کرده است. شهرت یوحنا دمشقی و رواج و تداول آثار او موجب شهرت داستان زید به عنوان جزء ثابتی از سنت ردیه‌نویسی مسیحی شده است، چنانکه در میان آثار مختلف جدلی مسیحی شرقی و غربی به صراحت از این مسئله سخن به میان آمده و مشخص است که این افسانه از طریق کتاب‌های دمشقی رواج یافته است. بنگرید به: Hoyland, 276, no.2.

مستعربان و نقش آنها در تألیف رساله‌های جدلی به زبان عربی

پس از فتح اندلس به دست مسلمانان و سپس شکل‌گیری و استقرار حکومت‌های مسلمان در آن منطقه، جمعیت‌های مسیحی فراوانی از ساکنان اولیه اندلس توانستند با پرداخت جزیه بر دین خود باقی بمانند، اما بسیار متأثر از دستاوردهای تمدن شکوفای اسلامی گشته به بهره‌گیری از جنبه‌های مختلف فرهنگی و تمدنی آن پرداختند و از این رو به مستعربان^۱ شهرت یافتند.^۲ برخی عوامل همچون سیاست‌های نژادی اتخاذ شده توسط امویان اندلس نسبت به مؤلّدان یا مسیحیان اندلسی مسلمان شده نیز انگیزه‌های مستعربان برای پذیرش اسلام را کم کرد و به رغم استقبال ایشان از دستاوردهای تمدن اسلامی، مانع از گروش ایشان به اسلام گشت. به هر حال، مستعربان متأثر از فرهنگ اسلامی، به فراگیری زبان عربی علاقه فراوانی نشان دادند و با ترجمه متون اسلامی به زبان لاتینی نقش مهمی در انتقال میراث اسلامی به غرب ایفا کردند.^۳ بخشی از متون اسلامی که توسط ایشان به لاتینی ترجمه شد، متون دینی اسلام بود که با انگیزه‌های خاص، متفاوت با انگیزه‌های دخیل در ترجمه متون علمی و فلسفی مسلمانان صورت می‌گرفت.

اثر مجهول المؤلف رساله الهاشمی الی الکنندی و رساله الکنندی الی الهاشمی که احتمالاً توسط مؤلفی نسطوری تألیف شده، از حیث لحن و محتوا اثری کاملاً متفاوت با دیگر نگاشته‌های جدلی و مدافعات نگاشته شده توسط مسیحیان عرب زبان ساکن در قلمرو اسلامی است و از این رو گمان می‌رود که تألیف یکی از مسیحیان مستعرب اندلسی باشد که بعد از بازپس‌گیری شهرهای اندلس از مسلمانان، نگاشته شده‌است. آنچه امکان صحت چنین احتمالی را بیشتر تقویت می‌کند، رواج و تداول این رساله در میان مسیحیان اندلسی است،^۴

1. Mozarabs.

۲. برای نقش و اهمیت مستعربان در اندلس بنگرید به: Mikel de Epalza, 1,183,204. و برای اهمیت مستعربان در ترجمه متون بنگرید به: Alverny 1982: 421,462.

۳. نمونه‌ای بارز از تأثیر متون فلسفی اسلامی بر سنت فلسفی مسیحیت قرون وسطی، رایمون لول (۱۳۱۶، ۱۲۲۲م) است که نقش مهمی در ترویج حرکت‌های تبشیری و آموزش زبان عربی داشته‌است. وی در آثار فلسفی خود، از نگاشته‌های غزالی چون *تهافت الفلاسفه* متأثر بوده و خود وی کتاب *مقاصد الفلاسفه* غزالی را به زبان کاتالونیایی ترجمه کرده‌است. آشنایی لول با زبان عربی تا بدان حد بوده که وی یکی از رساله‌های خود به نام *کتاب التأمل فی الله* را به زبان عربی نگاشته‌است. برای اطلاع بیشتر درباره لول بنگرید به: فایشر، ۱۹۹۵، ۲۰۱، ۱۹۵. فرهنگ اسلامی همچنین تأثیرات فراوانی بر یهودیان اندلسی نهاده‌است که مشهورترین مثال از تأثیر گذاری ابن باقودا مؤلف کتاب *الهدایة الی فرائض القلوب* است.

۴. مرتضی‌السعدی (۶۸،۶۷، ۷۱،۷۰) بحثی درباره رساله کندی آورده‌است. وی ظاهراً بر این گمان بوده که این نامه‌ها توسط دو تن و در عصر مامون عباسی به رشته تحریر درآمده‌است. همانگونه که شرفی (۱۲۵، ۱۲۸) با

چنانکه اين اثر در قرن ششم در اندلس توسط مسيحيان مستعرب به زبان لاتینی ترجمه شد.^۱ علاوه بر موارد فوق، برخی از مطالب مطرح شده در اين رساله، زمان تأليف آن را متأخرتر از آنچه در ساير اقوال پيرامون زمان تأليف آن مطرح می‌کنند، نشان می‌دهد؛^۲ نیز وجود اطلاعاتی تفصیلی از سیره پیامبر(ص) در اين اثر، احتمال تأليف آن توسط عالمی مسیحی از مسيحيان مستعرب اندلس را به طور جدی تقویت می‌کند. در مجموع، یکی از مهمترین متون تاثیرگذار بر مجادله نویسی مسيحيان اندلسی بر ضد اسلام، همین رساله *الکندی الی الهاشمی و رساله الهاشمی الی الکندی*^۳ است. اين رساله در اوایل ۱۱۴۰ میلادی تحت نظارت پیتر جلیل/پطرس مکرم^۴ (متوفی ۱۱۵۱ق/۱۱۵۶م) به لاتینی ترجمه شد.^۵ علاوه بر اثر فوق، بورمن^۶ در اشاره به آثار مدافعه‌گونه مسيحيان اندلس، از دو رساله کوتاه نام برده که رساله نخست را فردی مسیحی در قرن دوازدهم میلادی و اثر دوم را کشیشی مستعرب اهل طلیطله با عنوان *تثلیث الوحدانیه* تأليف کرده‌است. از دیگر آثار این دوره، اثری مفصل از فردی مسیحی است که در اصل به زبان عربی بوده و امروز تنها ترجمه لاتینی آن باقی مانده است. بورمن متن لاتینی این کتاب را به همراه ترجمه انگلیسی آن منتشر کرده‌است.^۷

پطرس آلفونسی و کتاب محاوره

مهمترین متن جدلی تأليف شده در حوزه اندلس(دست کم از حیث تداول)، بخشی از کتاب *محاوره(گفتگو/دیالوگ)* تأليف یک یهودی به مسیحیت گرویده، به نام پطرس آلفونسی^۸

درباره تداول و رواج رساله کندی در اندلس و ترجمه آن به
Koningsveld, 107,129;Burman, 1991, 197.228

لاتینی در قرن ششم هجری بنگرید به:

1. Burman, 1996, 109,128.

۲. برای نمونه: در رساله *الکندی الی الهاشمی* (ص ۷۶) واژه اتابک، از اصطلاحات دوره سلجوقی به کار رفته است.

قس: Griffith, 105,106.

۳. دمشق: دار التکوین، ۲۰۰۵.

4. Peter the Venerable

5. Kritzeck, 101,107.

6. Burman, 1996, 109,128.

7. Idem, 1991, 194,346.

8. Petrus Alfonsi.

(نام یهودی او ربی موشه سفارادی) (متوفی ۱۱۴۶م) است. گفتگوی پنجم این اثر، ردیه‌ای بر اسلام است. این اثر، نوشته‌ای پرخواننده بوده و اغلب مسیحیان اندلسی و اروپا، اطلاعات خود درباره اسلام را از این رساله اخذ کرده اند. آلفونسی نیز اغلب اطلاعات خود درباره اسلام را از رساله کندی برگرفته است. پراقبال بودن کتاب محاوره آلفونسی را باید از نسخه‌های خطی فراوانی که از این کتاب باقی مانده، دریافت؛ امروزه چهل و دو نسخه از این کتاب که در فاصله قرون دوازدهم تا پانزدهم میلادی کتابت شده و در بیست و هفت کتابخانه غربی موجود است.^۱

آلفونسی که اصالتاً فردی یهودی و اهل آراگون بود، در سن چهل و چهار سالگی به مسیحیت گروید و نام جدید پطرس را به جای نام قبلی خود، موسی، برگزید. وی آشنایی کاملی با زبان عربی داشت و از مترجمان متون علمی عربی به لاتینی نیز بود. کتاب محاوره وی در اصل اثری جدلی بر ضد یهودیت است که به شکل گفتگو و مناظره بین فردی یهودی به نام موسی و فردی مسیحی به نام پطرس تنظیم شده است. چهار فصل اول کتاب ردی بر یهودیت است. پرسش موسی از پطرس که وی چرا بعد از ترک دین آباء و اجدادی خود به مسیحیت و نه اسلام گرویده، موضوع فصل پنجم را تشکیل می دهد. آلفونسی در این فصل، از اسلام که از آن به قانون ساراسن ها^۲ یاد کرده، سخن گفته است. مطالبی که آلفونسی در این فصل مطرح کرده از حیث موضوع، تکرار همان مطالب ردیه نویسان گذشته است.^۳

ترجمه‌های لاتینی قرآن در اندلس

مقارن با دومین دوره جنگ‌های صلیبی و توجه راهبان مسیحی غربی به لزوم فعالیت‌های تبشیری که در اندلس به نحو جسته گریخته آغاز شده بود، راهب اعظم دیر کلونی^۴، یکی از مراکز مهم تبشیری مسیحیت در قرون وسطی و تاسیس شده در ۹۱۰ میلادی، به نام پیتر جلیل، دست به اقدامات مهمی در جهت نگارش و تدوین آثاری درباره اسلام زد. وی علاقه‌مند به آگاهی از متون عربی و اشاعه مسیحیت در میان مسلمانان اندلس بود. او به دلیل عدم آشنایی با زبان عربی، بر آن شد تا برای این هدف خود از مترجمان مستعرب در طلیطله

برای بررسی درباره پطرس آلفونسی بنگرید به تک نگاری جان ویکتور تولان که متأسفانه دسترسی به آن امکان پذیر نشد:

John V. Tolan, *Petrus Alfonsi and His Medieval Readers* (Gainesville, Florida, 1993).

1. Cutler, p.185, no.5.

2. Sarracen

۳. جورافسکی، ۷۸-۸۰.

4. Cluny

^۱ نتیجه این کوشش پیتر جلیل، ترجمه چند متن عربی، از جمله قرآن به لاتینی به دست گروهی از مترجمان بود. قرآن را مترجمی انگلیسی الاصل به نام رابرت کتون^۲ ۵۳۷-۵۳۸ ق/ ۱۱۴۳م^۳ به لاتینی ترجمه کرد.^۴ ترجمه کتون، برگردانی لفظ به لفظ نیست و در مواردی وی ترجمه‌ای تلخیص شده از آیات را ارائه کرده است. این ترجمه با وجود سستی و نادرستی‌های فراوانش که بعدها مورد تصریح اسلام شناسان برجسته‌ای چون آدریان رایلند^۴ (۱۶۷۶-۱۷۱۸م)، جولینو چزاره اسکالزیر^۵ (۱۵۴۰-۱۶۰۹م) و توماس ارپنیوس^۶ (۱۵۴۰-۱۶۲۴م)، سه استاد برجسته اسلام‌شناسی دانشگاه لایدن قرار گرفت،^۷ چندین قرن، در میان مسیحیان غربی مورد استفاده بود و از منابع مهم مسیحیان غربی و مسیحیان بیزانسی درباره اسلام به شمار می رفت^۸ و متکلمان مشهوری چون نیکولاس کوزایی (۱۴۰۶-۱۴۶۴م)، دینوسیوس کارثینیوس^۹ (۳/۱۴۰۲-۱۴۷۱م)، خوان دوتورکامادا^{۱۰} (۱۳۸۸-۱۴۶۸م) و عموم ردیه نویسان بعدی مسیحی از آن بهره گرفته‌اند.^{۱۱}

نسخه‌ای از ترجمه کتون را که در ۸۴۱-۸۴۰ ق/۱۴۳۷م در قسطنطنیه استنساخ شده بود، یوآن استوکویچ^{۱۲} (متوفی ۸۴۷ ق/۱۴۴۳م)، کاردینال کرواسی، خرید و به شهر بازل برد. این نسخه، اساس چاپ ترجمه لاتینی قرآن به اهتمام تئودور بیبلیاندر/ بوخمان^{۱۳} (۱۵۰۴/۱۵۰۶-۱۵۶۴)، متاله سوئیسی، در بازل بوده است؛ تئودور بیبلیاندر در ۹۴۹ ق/۱۵۴۲م به جانشین تسووینگلی^{۱۴} در کالج وابسته به کاتدرال زوریخ بر کرسی تدریس زبان یونانی

1. Kritzeck, pp.51,55.

2. Robert of Ketton (Robertus Ketenensis).

3. Kritzeck, pp.3, 69.

4. Adrian Reland.

5. Joseph Scaliger.

6. Thomas Erpenius.

۷. برای شرح حال این افراد به ترتیب ذکر شده بنگرید به بدوی، ۱۶، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۳۰۷، ۳۰۸.

۸. بوبتسین، ۳.

9. Dionysius Carthusianus.

10. Juan de Torquemada.

11. Bobzin, 1993, 194,195.

12. John Stojkovic.

13. Theodor Bibliander (Buchmann).

14. Zwingli.

^۱ که مشتمل بر ترجمه لاتینی کتونی از قرآن بود، افتاد. فکر انتشار مجموعه طلیطله، ببیلیاندر را بر آن داشت تا از دوست خود یوهانس اوپرنیوس (هربست)^۲ (۱۵۰۷ - ۱۵۶۸م) که بعدها یکی از مهم‌ترین ناشران شهر بازل شد، بخواهد تا منابعی به زبان عربی برای او از ایتالیا تهیه کند. ببیلیاندر با آنکه دانش اندکی از زبان عربی داشت، تلاش نمود تا تصحیحاتی نیز در متن ترجمه انجام دهد. چاپ این کتاب، مقارن با اوج حملات عثمانی در زمان سلطان سلیمان قانونی (متوفی ۹۷۴ق) به اروپا، منازعات جدی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و رواج برخی حرکت‌های اصلاحگرانه دیگر چون حرکت توحید گرایانه^۳ متأثر از اندیشه اسلامی در نفی تثلیث بود و از این رو با مخالفت‌های شدیدی روبرو شد؛ بر اساس قوانین شهر بازل، ناشران بایست قبل از انتشار هر اثری، شورای شهر را از محتوای آن آگاه می‌کردند، اما ناشران عملاً این قانون را برای تسریع در کار نشر نادیده می‌گرفتند. اوپرنیوس پیش از اقدام به چاپ، نظر شورای شهر بازل را در خصوص انتشار ترجمه قرآن جويا شده و آنها به او اطلاع داده بودند که با تقاضای مشابهی در شش سال قبل مخالفت شده است، از این رو، اوپرنیوس مخفیانه و بی‌اطلاع شورای شهر به چاپ ترجمه قرآن اقدام کرد، اما با اطلاع مقامات از انتشار ترجمه قرآن، اوپرنیوس بازداشت و نسخه‌های آماده شده ضبط گردید. پس از مجادلات متعددی در خصوص چاپ یا عدم انتشار این ترجمه، ببیلیاندر از مارتین لوتر^۴ درخواست کرد تا با نگارش نامه‌ای، امکان چاپ این ترجمه را فراهم کند. تنها با پادر میانی لوتر، امکان انتشار این ترجمه فراهم شد.^۵ متن این ترجمه که به «قرآن بازل» معروف است، در ضمن مجموعه‌ای، در سه بخش و با سه عنوان متفاوت منتشر شده است: بخش اول، مشتمل بر بخش عمده‌ای از "مجموعه طلیطله"؛ بخش دوم، شامل ردیه‌هایی بر اسلام؛ و بخش آخر به تاریخ ساراسن‌ها و ترک‌ها (عثمانی‌ها) اختصاص یافته و شامل قسمت‌هایی از اثر گئورک هنگریایی^۶ (مجارستانی) و دو اثر از نویسنده‌های ایتالیایی به نام پائولو جیوویو (۱۴۸۳-۱۵۵۲)^۷ است. در ۹۵۷/۱۵۵۰م ویرایش دومی از این چاپ منتشر گردید. قرآن بازل مبنای ترجمه قرآن به زبان‌های ایتالیایی و آلمانی و هلندی شد.^۸ در فاصله کوتاهی بعد از انتشار ترجمه لاتینی قرآن در بازل، ناشری ونیزی به

1. "Corpus Toletanum" or "Collectio Toletana"

2. Johannes Oporinus.

3. Unitarin Movement.

4. Martin Luther.

۵. بوبتسین، ۳-۵؛ Schreiner, 60,61.

6. George of Hungaria.

7. Paolo Giovio.

8. Bobzin, 1993, 193.206.

نام پاگانینی بریکسنوس^۱ تصمیم به انتشار متن عربی قرآن گرفت. متنی که این ناشر ونیزی منتشر کرد (در تاریخی میان آگوست ۱۵۳۷ تا آگوست ۱۵۳۸)، بلافاصله بعد از انتشار از بین برده شد و عموماً علت این برخورد را فرمان پاپ پل سوم (متوفی ۱۵۳۷) ذکر کرده‌اند^۲، اما با یافت شدن نسخه‌ای از این چاپ، علت اصلی از بین بردن متن چاپ شده مشخص گردید؛ ناشر ونیزی به دلیل بی اطلاعی و یا عدم امکان چاپ حروف مختلف متن عربی، متنی یکسره فته گذاری شده را منتشر کرده بود^۳ که امکان عرضه نداشته است.^۴

خوان سگویایی و ترجمه لاتینی او از قرآن

شکل‌گیری و تکوین دولت عثمانی که به سرعت از یک امارت نشین محلی در غرب آناتولی به حکومتی قدرتمند تبدیل شد و همجواری آن با دولت بیزانس، توجه بیشتری را به اسلام که در این زمان از آن به دین ترکان تعبیر می‌شد، در میان مسیحیت غربی پدید آورد و بدین ترتیب، نبردهای ترکان عثمانی تأثیر شگرفی بر مطالعات قرآنی در اروپا نهاد. فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح که اعلام پایان امپراتوری بیزانس بود، موجی از نگارش آثاری در باب دین ترکان و اسلام در مسیحیت غربی پدید آورد.

همزمان با این تحولات سیاسی، نیکولاس کوزایی^۵ (متوفی ۱۴۶۴)، کاردینال و فیلسوف شهیر آلمانی، نقش مهمی در تحول مطالعات قرآنی ایفا کرد.^۶ در شورایی که در ۱۴۳۱ - ۱۴۴۹ میلادی در شهر بازل تشکیل شد، وی با متکلمی اسپانیایی که بعدها به مرتبه کاردینالی نیز رسید، یعنی خوان سگویایی^۷ (متوفی حدود ۱۴۵۸) آشنا شد و از طریق او اطلاعاتی درباره "مجموعه طلیطله" به دست آورد. سگویایی خود طی سفری به قسطنطنیه، به سفارت از سوی پاپ ایوجن چهارم در ۱۴۳۷ میلادی، اوراقی از یک متن قرآن در یکی از

1. Paganini/Paganino Brixensis.

2. Jeffery, 399. اسعدی، ۸۵

Borrmans, 1991, 105, 122.

۳. برای سوره بقره از این چاپ بنگرید به:

4. Borrmans, 1990, 3, 12.

دیگر ترجمه لاتینی قرآن که در حقیقت دومین ترجمه لاتینی قرآن محسوب می‌شود در ۱۶۰۷ - ۱۶۰۸ / ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ و توسط مارک طلیطله‌ای به دستور اسقف اعظم دون رودریگو انجام شد. ترجمه مارک از ترجمه کتونی دقیقتر است اما فاقد زیبایی است. ظاهراً رواج یافتن ترجمه کتونی باعث عدم تداول و رواج ترجمه مارک شده باشد که در چند نسخه خطی باقی مانده است (Alverny, 1947, 48, 69, 131).

5. Nicholas of Cusa (1401, 1464).

6. Gensichen, 494.

7. John of Segovia (c. 1400, 1458).

در پی تشویق‌های کوزایی، راهبی به نام دیونیسیوس ریچکل^۱ که هلندی الاصل بود و بعدها به دینسیوس کارثینیوس شهرت یافت (متوفی ۱۴۷۱)، در سفرهای کوزایی که از ۱۴۵۱ میلادی به بعد آغاز شد، همراه وی گشت؛ دیونیسیوس ردیه ای مفصل بر قرآن نگاشت که در کولگن به سال ۱۵۳۳ میلادی منتشر شد و اندکی بعد در ۱۵۴۰ میلادی ترجمه آلمانی آن نیز در استراتسبورگ نشر یافت. کتاب اخیر اساساً مبتنی بر آثار "مجموعه طلیطله" و مشتمل بر ردّ آیات مختلفی از قرآن و به شکلی کاملاً منظم و بر اساس نظم سوره‌های قرآن تدوین شده بود. پس از پایان شورای بازل در ۱۴۴۹ میلادی، خوان سگویایی از مناصب و فعالیت‌های سیاسی خود کناره گرفت و زندگی خود را وقف مطالعه اسلام نمود. سگویایی در رساله‌ای که با عنوان فرستادن شمشیر روح الهی بر مذهب ساراسن‌ها^۲ تألیف کرده، بر اهمیت آگاهی یافتن عمیق از قرآن برای مناظره‌ای ثمربخش با مسلمانان تأکید و بر این نکته که چنین رویکردی نتایج مسالمت‌آمیزی هم خواهد داشت، اشاره کرده است.

سگویایی همگام با مطالعات خود درباره قرآن، ترجمه لاتینی رابرت کتونی از قرآن را نارسا یافت. پس از عزیمت در ۱۴۵۴ میلادی به صومعه آیتون در شهر ساوی، سگویایی موفق شد تا فقیهی مسلمان به نام عیسی بن جابر شاذلی اهل سگویا را به سفر به آیتون ترغیب کند. در آیتون وی به مدت چهار ماه با همکاری شاذلی (زمستان ۱۴۵۵-۱۴۵۶م) ترجمه‌ای جدید به زبان لاتینی از قرآن تهیه کرد که به همراه ترجمه کاستیلین و متن عربی قرآن بود.^۳ متأسفانه از اصل این ترجمه دو زبانه که همراه متن عربی قرآن بوده، تنها مقدمه لاتینی آن باقی مانده^۴ که در آن، سگویایی نقدی جالب بر ترجمه کتونی ارائه کرده است.^۵

ریکولدو و کتاب بر ضد قانون ساراسن‌ها

از دیگر ردیه‌های مهم و تاثیر گذار مسیحیان بر اسلام قبل از عصر رنسانس، ردیه ریکولدو منوته کروچه^۶ (متوفی ۱۳۲۰م) با عنوان بر ضد قانون ساراسن‌ها است که یکی از پراقبال‌ترین

1. Carthusain monk Dionysius Rijkel.
2. *De mittendo gladio spiritus in Sarracenes.*
3. Wiegers, 1994, 69, 76 ; Kerr, 335.

برای گزارش کوتاهی از زندگی و فعالیت های سگویایی همچنین بنگرید به: بدوی، ۴۱.

4. Cabanelas, 149, 173 .

برای متن این مقدمه بنگرید به: Gázquez, 389, 410.

5. López.Morillas, 1999, 277, 292.
6. Florentine Dominican Riccoldo da Monte Croce /Ricoldo da Monte Cruce Pennini.

ردیه‌ها بر ضد اسلام بوده است.^۱ ریکولدو که در حدود ۱۲۴۳ میلادی در کروچه، شهری نزدیک فلورانس، به دنیا آمد، در جوانی به کلیسای دومینیکن پیوست و از ۱۲۶۷ تا ۱۲۸۵ میلادی سفری به سرزمین‌های خاورمیانه داشت و مدتی در بغداد اقامت نمود. او در بغداد زبان عربی را فرا گرفت و بعد از بازگشت به اروپا، ردیه خود یعنی *بر ضد قانون ساراسن‌ها*^۲ را تألیف کرد.^۳ این ردیه به چندین زبان و از جمله توسط مارتین لوتر به آلمانی ترجمه شده است.^۴ خرده‌گیری‌های ریکولدو دربارهٔ اسلام تکرار همان انتقادات و استدلال‌های سنتی مسیحیت بر ضد اسلام است، اما از حیث شیوایی و تنظیم، اثری برجسته است.^۵ به رغم فهم نادرست کروچه از برخی مسائل اسلامی چون تدوین قرآن و عدم تفکیک میان قرآن و احادیث، اثر وی را باید تلاشی عالمانه نسبت به دیگر ردیه‌های معاصرانش بر اسلام دانست که بر خلاف بعضی از آنها که تنها نوشته‌های تند و فحاشانه نسبت به اسلام بودند،^۶ گزارشی دقیق از اسلام به دست داده است^۷ و آن را باید اثری کلاسیک و خلاصه‌ای نظام‌مند از ایرادات مسیحیان نسبت به قرآن و اسلام دانست.

آنچه بر اهمیت *بر ضد قانون ساراسن‌های ریکولدو* می‌افزاید، بهره‌گیری او از ترجمه رابرت کتونی و ترجمه لاتینی رساله‌های جدلی از مستعربی اندلسی است که کتاب خود را در اصل به زبان عربی تألیف کرده است. او آشنایی کاملی با قرآن و حدیث داشته و از برخی مفاهیم قرآنی چون نزول قرآن بر هفت حرف و معراج پیامبر(ص) بحث کرده است. مؤلف رساله دربارهٔ قرائت‌های هفت گانه می‌نویسد که این قرائت‌ها، قرائت نافع، ابوعمر، حمزه، کسائی، عاصم، ابن کثیر و ابن عامر بوده است و این افراد واضعان مصاحف هفت گانه بوده‌اند. وی همچنین اشاره کرده که این افراد از معاصران پیامبر(ص) نبوده‌اند و از میان اصحاب پیامبر(ص) تنها از عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و عثمان بن عفان و ابی بن کعب، به عنوان افرادی که با قرآن آشنا بوده‌اند، یاد کرده است. مؤلف مستعرب که به احتمال زیاد اطلاعات خود را از اثری از یک عالم طرفدار امویان، اخذ کرده، در ادامه می‌نویسد که در آشنا بودن علی بن ابی طالب(ع) با قرآن اختلاف هست. مؤلف مستعرب در ادامه می‌نویسد که قرآن‌های(مصاحف) افراد مذکور با یکدیگر تفاوت داشته و همین امر باعث شد تا مروان بن

۱. بوبتسین، ۶، ۵.

2. *Contra Legem Saracenorum (Improbatio Alcorani)*.

3. Kerr, 526.

۴. بوبتسین، ۸، ۶.

5. Burman, 2004, 181, 209.

6. Burman, 2004, 181, 182; Tolan, 245-54.

۷. بوبتسین، ۱۶۴-۱۶۷.

به هر حال، ریکولدو در مجموع قرآن را چیزی جز ترکیبی از بدعت‌های کهن مسیحیت که آباء کلیسا در طول تاریخ آنها را نقد و بررسی کرده‌اند، ندانسته و مدعی شده که عدم بشارت عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) به قرآن، دلیلی بر عدم وثاقت قرآن است، اما از طرفی خود وثاقت اناجیل را بر اساس استنادات قرآن به آنها و به رسمیت شناختن آنها به عنوان کتاب‌های مقدس، قابل اثبات شمرده است.

همچنین ریکولدو از مسئله تحریف عهدین بحث کرده و آن را رد نموده است. بر اساس دیدگاه متداول میان متألهان مسیحی، کتاب‌های مقدس می‌باید سبک خاصی داشته باشند و معیار آنها در این خصوص عهدین بوده و بر همین اساس تفاوت سبک قرآن را با سبک عهدین، دلیلی دیگر بر عدم اعتبار قرآن دانسته‌اند؛ ریکولدو نیز بر همین مسئله تأکید کرده و آن را دلیل دیگری بر عدم وثاقت متن قرآن دانسته است. مطلب دیگری که ریکولدو به تبع سنت ردیه‌نویسی مسیحی بر قرآن، بر آن انگشت نهاده، ذکر نام برخی از انبیاء در قرآن است که در عهد عتیق یادی از آنها نشده و در متون ثانوی متداول در سنت مسیحی نیز ذکری از آنها نیست.^۱ ریکولدو ضمن خیالی خواندن این مطالب، این گونه مطالب را دلیل دیگری بر بی‌اعتباری قرآن معرفی کرده است. او ظاهراً تحت تأثیر اثر جدلی مؤلف مستعربی که پیشتر

تأثیر رساله ریکولدو بر ادبیات جدلی

در میانهٔ قرن چهاردهم کتاب ریکولدو را دانشمندی بیزانسی به نام دمیتریوس کیدونس^۱ (۱۳۲۴-۱۳۹۷م) به یونانی ترجمه کرد. این ترجمه موج جدیدی از ردیه‌نویسی بر ضد اسلام را پدید آورد؛ چنانکه حتی دو تن از امپراتوران بیزانس، جان ششم کانتاکوزانس^۲ (حکومت: ۱۳۴۷-۱۳۵۷م) و مانول دوم پالائیولوگوس^۳ (حکومت: ۱۳۹۱-۱۴۲۵م)، به ترتیب دو رساله به نام‌های *چهار استدلال بر ضد بدعت ساراسن‌ها*، *چهار خطابه بر ضد محمد* و یک کتاب به نام *گفتگو با فردی ایرانی اندر باب دین مسیحیت* را تألیف کردند که اثر اخیر از پالائیولوگوس خود بر اساس ترجمهٔ یونانی رسالهٔ ریکولدو تألیف شده بود.^۴ نیز بر پایهٔ ترجمهٔ یونانی رسالهٔ ریکولدو، ترجمهٔ لاتینی مجددی از رسالهٔ ریکولدو توسط فردی به نام بارتلمونوس پیسنوس مونته آردویی^۵ انجام شد.

متن لاتینی رسالهٔ ریکولدو در طلیطله به سال ۱۵۰۲ میلادی و در ونیز در ۱۶۰۷ میلادی تحت نام متفاوتی به چاپ رسید. نیز ترجمهٔ لاتینی مجددی از این اثر که کاستی‌های فراوانی دارد در ۱۵۰۶ میلادی منتشر شد. بر پایهٔ ترجمهٔ مجدد لاتینی رسالهٔ ریکولدو، مارتین لوتر (متوفی ۱۵۴۶م) رسالهٔ ریکولدو را با نام *ردیه بر قرآن* (ویتنبرگ ۱۵۴۲م) به آلمانی ترجمه کرد. این ترجمه که همزمان با اوج‌گیری حملات عثمانی به قلب اروپا در روزگار سلطان سلیمان قانونی (متوفی ۹۷۴ق) انجام شده، ترجمه‌ای تلخیص شده است که لوتر خود ضمن حذف مطالبی، نکات دیگری بر آن افزوده. تئودور بیلیاندر نیز در مجموعه‌ای از متون لاتینی که در بازل و در سال ۱۵۴۲ میلادی منتشر کرد، ترجمهٔ یونانی رسالهٔ ریکولدو به قلم

1. Demetrios Kydones.
2. John VI Kantakuzenos.
3. Manuel II Palaiologos .
4. Bobzin, 2004, 4/242.
5. Bartholomaeus Picensus de Monte Arduo.

^۱ در حقیقت ترجمهٔ مجدد لاتینی رسالهٔ ریکولدو به رغم کاستی‌های فراوان آن بیشتر از تحریر اصلی لاتینی به قلم ریکولدو منتشر شده است.

نتیجه‌گیری

ادبیات جدلی مسیحیان اندلسی بر ضد اسلام در اندلس تا حدی متفاوت با ادبیات ردیه‌نویسی مسیحیان شرقی بر ضد اسلام بود. در قرن دوازدهم میلادی/ ششم هجری، انجام دو ترجمه از قرآن به زبان لاتینی توسط مسیحیان اندلسی، نقطهٔ اوج تعامل میان اسلام و مسیحیت در اندلس بود؛ بعدها این ترجمه‌ها تأثیری جدی بر آگاهی مسیحیت غربی از اسلام نهاد و مبنای ردیه‌نویسی بسیاری از آثار نگاشته شده تا قرن شانزدهم میلادی قرار گرفت و عموم ردیه‌نویسان مسیحی بر مبنای این دو ترجمهٔ لاتینی قرآن، خاصه ترجمهٔ رابرت کتونی به نگارش آثاری دربارهٔ اسلام در قرون وسطی پرداختند. همچنین رساله‌های جدلی مستعربان اندلسی که به زبان عربی نگاشته می‌شدند و امروزه آگاهی ما تنها به واسطهٔ ترجمه‌های لاتینیشان و یا به‌جا ماندن بخش‌هایی از آنها در متون جدلی عربی عالمان مسلمان است، تأثیر مهمی در سنت ردیه‌نویسی مسیحیت غربی داشته است. نمونه‌ای مهم از این رساله‌های جدلی، رساله‌ای از مستعربی اندلسی است که ترجمهٔ لاتینی آن یکی از منابع ریکولدو دومنته کروچه در نگارش کتاب *بر ضد قانون ساراسن‌ها* بوده است که این خود یکی از مهم‌ترین متون جدلی در نقد اسلام به شمار می‌آمده و در سنت ردیه‌نویسی مسیحیت غربی بر اسلام جایگاه خاصی داشته و پس از خود، ایجاد‌کننده موج جدیدی از ردیه‌نویسی بر اسلام بوده است.

کتابشناسی

اسعدی، مرتضی. *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان* (۱۹۶۵ م) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران ۱۳۸۱).
 بدوی، عبدالرحمن. *موسوعة المستشرقین (المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت ۲۰۰۳)*.
 بوبتسین، هارتموت. «متکلمان مسیحی و قرآن»، ترجمهٔ محمد کاظم رحمتی، آینه پژوهش، سال هفدهم، شماره ۹۸-۹۹ (خرداد - شهریور ۱۳۸۵)، ص ۲-۱۵.

جورافسکی، ألیکسی الاسلام و المسيحية، ترجمة خلف محمد الجراد (کویت ۱۴۱۷/۱۹۹۶).
الخرزجی، أحمد بن عبدالصمد مقامع الصلبان، حققه و قدم له عبدالمجید الشرفی (الجامعة
التونسية، تونس ۱۹۷۵).

الشرفی، عبدالمجید. الفكر الإسلامی فی الرد علی النصرانی إلى نهاية القرن الرابع/ العاشر
(الدار التونسية للنشر / المؤسسة الوطنية للكتاب، تونس – الجزائر، ۱۹۸۶).

فايشر، مانويل. «رامون لول و العالم الاسلامی»، الغرب الإسلامی و الغرب المسيحي خلال
القرون الوسطی، تنسيق محمد حمام (رباط: منشورات كلية الآداب و العلوم الإنسانية بالرباط،
۱۹۹۵).

القرطبي، امام. الاعلام بما فی دين النصارا من الفساد و اوهام و اظهار محاسن دين الاسلام
و اثبات نبوة نبينا محمد عليه الصلاة و السلام، تحقيق احمد حجازي السقا (قاہره ۱۹۸۰).

M-T. d'Alverny, "Translations and translators," in: *Renaissance and renewal in the twelfth century*. Ed. R.L.Benson & G.Constable, Oxford: Clarendon Press; Cambridge (USA): Harvard University Press, 1982, pp.421-462.

Idem, "Deux traductions latines du Coran au Moyen Age," *Archives d'Histoire Doctrinale et Litteraire du Moyen Age*, 22-23 (1947-48) pp.69-131.

Maurice Borrmans, "Orservations A Props De La Premiè Edition Imprmeè Du Coran A Venise," *Quaderni di Studi Arabi* 8 (1990), pp.3-12.

Idem, "Présentation De Première Edition Imprimée Du Coran A Venise," *Quaderni di Studi Arabi*, 9 (1991), pp.93-126.

Hartmut Bobzin, "Latin translations of the Koran: a short overview," *Der Islam* 70 ii, 1993 pp.193-206. [also repr. In: *The Koran : Critical Concepts in Islamic Studies*, ed., Colin Turner (London and New York, 2004), vol. IV, pp.116-127].

Idem, "Pre – 1800 Preoccupations of Quranic Studies," *Encyclopaedia of the Quran (EQ)*, ed., Jane Dammen McAuliffe (Brill: Leiden, 2004).

Thomas E. Burman, "Tathlith al-wahdaniyah` and the twelfth-century Andalusian-Christian approach to Islam," in: *Medieval Christian perceptions of Islam: a book of essays*. Ed. John Victor Tolan (New York: Garland, 1996), (Garland Medieval Casebooks, 10), pp.109-128.

Idem, *Religious polemic and the intellectual history of the Mozarabs, c.1050-1200*, Leiden: Brill, 1994.

Idem, "The Influence of the Apology of al-Kindî and Contrarietas alfolica on Ramon Lull's Late Religious Polemics, 1305-1313," *Mediaeval Studies* 53 (1991), pp. 197-228.

idem, "Polemic, Philology, and Ambivalence: Reading the Qur'ân in Latin Christendom," *The Journal of Islamic Studies* 15 (2004):181-209.

A. Cutler, "The ninth-century Spanish martyrs' movement and the origins of Western

Christian missions to the Muslims," *Muslim World*, 55 (1965) pp.321-339.

A. H. Cutler and H. E. Cutler, *The Jew as the ally of the Muslim: medieval roots of anti-Semitism* (Notre Dame: University of Notre Dame Press, 1986).

Darío Cabanelas, "Juan de Segovia y el primer Alcoran trilingue," *Al-Andalus*, 14 (1949), pp.149-173.

D. M. Dunlop, "A Christian Mission to Muslim Spain in the 11th century," *Al-Andalus*, 17 (1952), pp.259-310.

Míkel de Epalza, "Mozarabs: an Emblematic Christian Minority in Islamic al-Andalus," in: *The Legacy of Muslim Spain*, ed., Salma Khadra Jayyusi (Leiden, 1992), pp.149-70.

J. Martínez Gázquez, "El Prólogo de Juan de Segovia al Corán (Quran) trilingüe (1456)," *Mittellateinisches Jahrbuch* 38 (2003), pp.389-410.

Hans-Werner Gensichen, "Nicholas of Cusa," in: Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Cambridge, 1998), p.464.

Robert G. Hoyland, "The Earliest Christian Writings on Muhammad: An Appraisal," in: Harald Motzki, *The Biography of Muhammad: The Issue of the Sources* (Leiden, Boston and Köln, 2000), pp.276-297.

Arthur Jeffery, "Progress in The Study of The Quran Text," *The Moslem World*, 25 (1935), pp.4-16. repr. In: Rudi Paret, ed., *Der Koran* (Darmstadt, 1975), p.398-410.

David A. Kerr, "Eulogius," in: Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Cambridge, 1998), pp.202-203.

Idem, "John of Segovia," in: Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Cambridge, 1998), p.335.

Idem, "Pennini, Ricolto (da Monte Cruce)," in: Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Cambridge, 1998), p.526.

P. S.J. van Koningsveld, "La Apologia de Al-Kindi en la España del siglo XII. Huellas toledanas de un animal disputax," in: *Estudios sobre Alfonso VI y la reconquista de Toledo (Actas del II Congreso Internacional de Estudios Mozárabes [Toledo, 20-26 Mayo 1985])* (Toledo, 1989), pp.107-129.

James Kritzeck, *Peter the Venerable and Islam*. Princeton: Princeton University Press, 1964.

Consuelo López-Morillas, "Lost and Found? Yça of Segovia and the Qur'an Among the Mudejars and Moriscos," *Journal of Islamic Studies*, 10 (1999), 277-92.

Daniel J. Sahas, *John of Damascus on Islam: The Heresy of The Ishmaelites* (Leiden, 1972).

Lothar Schreiner, "Bibliander, Theodor," in: Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Cambridge, 1998).

John Victor Tolan, *Saracens: Islam in the Medieval European Imagination*, Columbia University, Press, 2002), pp245-54.

K.Versteegh, "Greek translations of the Qur'an in Christian polemics (9th century A.D.)," *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, 141 i, 1991 pp.52-68.

G. A.Wiegers, *Islamic literature in Spanish and Aljamiado: Yca of Segovia (fl. 1450), his antecedents and successors* (Leiden: Brill, 1994, (Medieval Iberian Peninsula Texts and Studies, 8).

